

مهدی بازگان: " انقلاب ما به کجا می رود؟ "



... در عظیم خلوت من

http://xalvat.com



نشر دیجیتال

<http://xalvat.com>

xalvat@xalvat.com

<http://xalvat.com/xalvat7/Nasher-eDigaran>

xalvat.com

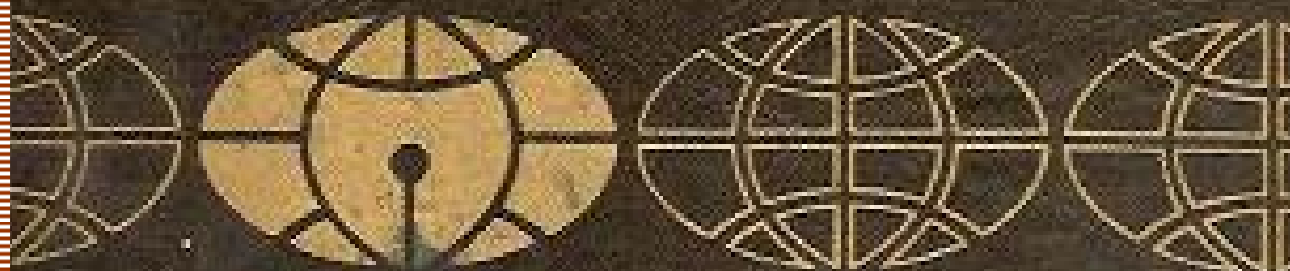
۴۶۶

کیمیاگان

دوره دوم - جلد نهم

اولین بار ۱۳۵۸ تا آخر سال ۱۳۵۹

مهدی بازگان : " انقلاب ما به کجا می رود؟ "



ادگاه انقلاب ویژه نظامی اسناد ارتباط بخیار با وقایع آذربایجان بدست آمد

نظامیان برای تصرف پایگاه و فرودگاه تبریز فاش شد

توطئه گران میخواستند هواپیماها را به توپ ببندند

۱۲ صفحه
 انتشارات ۶۵ بهار
 شماره ۱۳۴ - شماره ۱۳۴ - شماره ۱۳۴



شرایط پذیرش دانشجویان رانستیتوها و مدارس عالی

خاتمه ای اعتراضات و خروج است و جزیره ای رنگ و بوی است

پاسخ شدید اللحن بهشتی، رفسنجانی و خامنه ای به علی تهرانی

و بهشتی: بمباران اهلر میوطنیت
 و رفسنجانی: دشمنان تحت
 کابوتد ظریمی از انی هست یا نه
 و خامنه ای: انقلاب فرار گرفته اند

فر و هر تپاسداران پس از استقرار نظم مهاباد و سند جراتر گ میکنند

خبرگزاری فارس - تهران - ۱۳۸۴/۰۵/۰۱
 در پی استقرار نظم در مهاباد و سند جراتر گ میکنند. در پی استقرار نظم در مهاباد و سند جراتر گ میکنند. در پی استقرار نظم در مهاباد و سند جراتر گ میکنند.

فکرانی در مورد فاش شدن توطئه

فکرانی در مورد فاش شدن توطئه. فکرانی در مورد فاش شدن توطئه. فکرانی در مورد فاش شدن توطئه.

استعفای دسته جمعی ۳۶ عضو کانون نویسندگان

استعفای دسته جمعی ۳۶ عضو کانون نویسندگان. استعفای دسته جمعی ۳۶ عضو کانون نویسندگان. استعفای دسته جمعی ۳۶ عضو کانون نویسندگان.

کله راهبای کتور باز است

کله راهبای کتور باز است. کله راهبای کتور باز است. کله راهبای کتور باز است.

کتاب: ترویج علم و ادبیات و انقلاب
 تألیف: محمد علی باهنر
 دکتر حسن حبیبی رای هیئت

تاریخ انتشار: ۱۳۸۴/۰۵/۰۱
 صفحه: ۱۲
 نشر: دیگران

تاریخ انتشار: ۱۳۸۴/۰۵/۰۱
 صفحه: ۱۲
 نشر: دیگران

کجاست انقلاب

۱۲ صفحه

پیشگام ۶ وصال

پرفه ۱۳۳۰ هـ ق - ۱۳۳۰ هـ ق - ۱۳۳۰ هـ ق

انقلاب ما به کجا می رود؟

خسارنها و دریافت نشانه کارها و اشکالشان شود . از دولت بیانییم به داخل ملت ، یک مقام روحانی پیدا میشود بی‌اعتمادی به شورای امام ، بی‌اعتنا به دولت امام ، بی‌اعتنا به کتبه امام و به شورای انقلاب و به دادگاه انقلاب . برای خودش دفتر خانه درست میکند ، سر بازار خانه راه میاندازد ، تجارخانه باز میکند ، چریک‌خانه درست میکند و پیش‌آمگه انقلاب میشود . قرمان تهاجم و تصرف صادر میکند . آنهایی که سندان هستند ؛ آنهایی که آرزویشان این بود و انتظارشان این است که انقلاب ما پرچم اسلام و خورشید درخشان اسلام و عدالت و قسط و امنیت و سلامت را در دنیا باحتراز در بیاورد و فوج فوج مردم وارث دین خدا بشوند ، این عاشقان لباکار اسلام نیز وقتی میبینند حق و عدالت و حقوق از بین رفته است بلرزه درمیایند و میبرسند انقلاب ما و اسلام ما کججا می رود ؟

تاکتی ، مصایره اموال ، آزار نسبت به زن و بچه ، بی‌قرار و قانونی آنها بعنوان لازمه عمل انقلابی تلقی شده است . مواد مخدر نه به بیای ارزان بلکه به رایگان توزیع میشود و هیچ وسیله امکان و نیروی برای از بین بردن آن نیست . از این موارد و مسائل زیاد داریم ، جدائی از حریمت روز کرده است . عرب پلچیم ، بنی یا شیعه ، جوان با سن ، شهری یا دهاتی ، ذریع با مالک ، کارگر یا کارفرما ، کارمند یا رئیس ملت یا دولت ، پاسدار یا کتبه ، همه باهم در افتاده اند .

با یک دست میخواهیم چندین هندوانه برداریم . باید لشکر میخواهیم در ده جبهه بچنگیم ، جبهه فتوایها ، جبهه سرمایه‌دارها ، جبهه طاغوتیها ، جبهه ارتجاعیها ، جبهه مالکین ، جبهه روشنفکران ، جبهه صیحا و جبهه‌های خارج . کار جوانانمان پنبه‌ها را پادمان ، انگشت روی عیب و خطاها گذاشتن ، بلکه عیب و خطا ساختن ، رفتن و در قباله کهنه‌های هر خانواده گشتن و برده‌داری کردن شده است . هدف اصلی زدن تیره‌های اعدای و اتهام است ، اتهام و اعدام کسانی که اصول و خشتنگزار و سازنده بودند ...

در این محیط و مملکت چگونه انقلاب میتواند به ثمر برسد ؟ آیا باید گفت ؟

قرسم نرسد بکجه ای اعصاب
کابیره کتو مبروی پندر کستان است
تا اینجا وضع حیرت‌انزوا و وضع مشکلی است که در برابری هست . صحیح اینست که برویم و ببینیم علق‌چیت

و اولین اختلاف از زبان ، از قلم و از عمل کسانی بیرون زد که در روز های پیروزی اعلام کرده و بها گفته بودند که اگر در مبارزه منته استنباط و برای اخراج شاه یا شاه بودیم چنین نیست که خطمان چنان شود و برنامه های انقلابی خودمان را شدیداً منتهب کنیم .

زمزمه های تلق و تقار پلافاسه در دانشگاه و درگتید قاپوس بند شد . دانشگاه فنی تبدیل شده بود به زراعتخانه اسلحه چریکیها . در حالیکه آرمغان خیلیها از هم میپرسیدند انقلاب ما چه نیازی به اسلحه دارد ، مگر ما میخواهیم با خودمان در بیفتیم ؟ آن اصل کاری را که بیرون کردیم و رفتن و این سلاحهایی که در دست مردم است یا حیوان دشمن خارجی که نمی‌تواند زبرو شود ؟

در شمال مخصوصاً گنداقوس اسلحه های دمشی برای اولین بار پیدا فرامد . همینطور جندمهائی نگذشته بود که در کارخانجات و ادارات تحریکات و تشنجاتی پیدا شد . هرگز چو رفتم درگیری و ستیز و دعوا از یک طرف و آشنگی و توقف و مواج و توقعها از طرف دیگر وسعت و دقت پیدا میکرد .

اگر اجازه دهید - وظیفه و مصلحان تو این است - که کفک صفت نشاییم ، نگاه کنیم ببینیم در مملکت و محیطمان چه میگردد . واآمیات و سطلایی و چریکهای تلخ و خطرانی که ما را تهدید میکند در میان بنگلوریم و انزبان مردم نیز بشنویم .

وقتی در بندر لنگه در اثر یک برخورد احتماله اگر نگویم کاشانه دعوی ملی و حیمه تو میگیرد و اگر اشتباه نکنم ۱۲۰ نفر کشته میشوند ، وقتی مردم ایتر در روزنامهها میشوند ، از رادیو میشوند یا حیرت از خود میبرسند انقلاب ما کججا می رود ؟

همینطور سنجید که زودتر از صبح دولت وقت از مردم دعوت کرد و اولین شورای استان و شورای شهر از منتخبین مردم و خیلی آزاد تشکیل شد . حالا میبینم که در آنجا استانداری را با صحن انتقال کرده اند . استاندار زنمائی شده و بعد برای خروج پاسداران انقلاب اعتصاب غذا می‌کند . و از طرف دیگر احزاب چپ افراطی چنگه چریکی رامانندخته و پادگانهای دولتی را شای سلاح میکنند و با پشتیبانی بیگانه از شاه کشور حصابیه به حمله و راهزنی و مسافرروایی میبرداخته ، بر این شرایط مردم کرد و غیر کرد و دنیا نگران امنیت و استقلال و مقام کشور میشود و وحشت زده میبرسند انقلاب ما به کجگام سمت و به کججا می رود ؟

مهندس مهدی بازگان نخست وزیر سابق و عضو هیاتی شورای انقلاب ، در مقاله ای تحت عنوان انقلاب ما به کجا می رود؟ به تشریح اوضاع و احوال جاری مملکت پرداخته است . این مقاله را بدون هیچ‌تلهار نظری چاپ میکنیم :



بسیارند در حرم الرحیم

خواهران و برادران عزیز و دوستان قدیم سلام گرهیزا بپذیرید ، کلام از دل برخاسته ام یا بشنویند ، بیامدم ، بتوان نخست وزیر و رئیس دولت صحت کنم و نه برای ریاست جمهوری خود تبلیغ کنم (این کاری است که مربوط به خود مردم است) ، نه از دولت وقت دفاع کنم و نه حتی به صحت و سحت عقوی از شورای انقلاب سختگو و نماینده باشم . بعنوان یک طاقتمند و خشتنگزار ندیمی حرف میزنم ، کسی که هم خود احساس و درد مسئولیت میکند و هم بسیاری از افراد ملت انتظار صحت و نظر و آمیانا دلالت و نصیحتش وادارند . کسی که نمیتواند از زبان بریده بکچی نقشه صو و بکجه باشد .

یکسال تمام از فراز شاه و سرنگون شدن آخرین شاهه شجر ، خیریکه که قراری نداشت میگردد ، مردم غوغاکنند ، جشن میکنند .

باید حفته دیگر هم روز ۲۱ بدم میرسد . جشن بزرگتر و بهتری داریم . مالگرد ، سقوط فعلی و تسلیم نظام آن معلوم را خواهیم گرفت .

مردم در این مراسم باشکر گزار و میل شرکت خواهند کرد ولی فکر میکنم که بسیاری از مردم ، اگر تکویم اکثریت ، سر ته دل چندان خوشحال نیستند . نا-احسنی با و نگرانی های زیادی دارند . خیلی ما از خود و از همه دیگر میبرسند که انقلاب ما کججا می رود ؟

من به شهر خودم ، از شما چه پنهان ، آرزوی یکسال قبل را میکنم . آن ایام که شاه صوز برفته بود ، البته آرزوی شاه را نمی‌کنم و نه دولتش را ، آرزوی آن وحدت و صمیمیت را که در آن موقع حکمفرما بود میکنم . اکثریت قریب یاتلاق مردم برادر وار و خواهروار یک چیز میخواهند و در یک راه کام بر میداشته ، بیرون کردن شاه و نجات مملکت از ظلم و استبداد ، استبدادی که تکلیفشان بر استپای خارجی مخصوصاً



مهندس مهدی بازرگان نخست
وزیر سابق و عضو فعلی شورای
انقلاب - در مقاله‌ای تحت عنوان
«انقلاب ما به کجا می‌رود؟»
به تشریح اوضاع و احوال
جاری مملکت پرداخته است.
این مقاله را بدون هیچ اظهار
نظری چاپ می‌کنیم:

xalvat.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خواهران و برادران عزیز و دوستان قدیم سلام گرم‌ها
بپذیرید و کلام از دل برخاسته‌ام را بشنوید. نیامده‌ام بعنوان
نخست وزیر و رئیس دولت صحبت کنم و نه برای ریاست
جمهوری خودم تبلیغ کنم (این کاری است که مربوط به خود
مردم است)، نه از دولت موقت دفاع کنم و نه حتی به صفت
و سمت عضوی از شورای انقلاب سخنگو و نماینده باشم.
بعنوان يك علاقمند و خدمتگزار قدیمی حرف می‌زنم.
کسی که هم خود احساس و درد مسئولیت میکند و هم بسیاری
از افراد ملت انتظار صحبت و نظر و احیانا دلالت و نصیحتش
را دارند. کسی که نمیخواهد و نمیتواند «زبان بریده بکنجی
نشسته صم و بکم» باشد.
یکسال تمام از فرار شاه و سرنگون شدن آخرین شاخه
شجره خبیثه که قراری نداشت میگذرد. مردم خوشحالند، جشن
میگیرند.

تاچند هفته دیگر هم روز ۲۱ بهمن میرسد. جشن بزرگتر
و مهمتری داریم. سالگرد سقوط قطعی و تسلیم نظام آن ملعون
را خواهیم گرفت.

مردم در این مراسم باشکر گزاری و میل شرکت خواهند
کرد ولی فکر میکنم که بسیاری از مردم، اگر نگویم اکثریت،
در ته دل چندان خوشحال نیستند. نا-احتی‌ها و نگرانی‌های
زیادی دارند. خیلی‌ها از خود و از همدیگر می‌پرسند که

انقلاب ما بکجا می رود ؟

من به سهم خودم، از شما چه پنهان، آرزوی یکسال قبل را میکنم. آن ایام که شاه هنوز نرفته بود. البته آرزوی شاه را نمیکنم و نه دولتش را. آرزوی آن وحدت و صمیمیت را که در آن موقع حکمفرما بود میکنم. اکثریت قریب باتفاق مردم برادر وار و خواهروار یک چیز میخواستند و در یک راه گام برمیداشتند: بیرون کردن شاه و نجات مملکت از ظلم و استبداد، استبدادی که تکیه اش بر امپریالی خارجی مخصوصاً آمریکا بود.

یک دشمن داشتیم، یک شعار، یک رهبر و یک ایدئولوژی (آزادی و عدالت و سعادت اسلامی). در انقلابمان با قدرت و سرعت معجزه آسا پیروز و در دنیا سرافراز شدیم. همسایگان نزدیک و دور و مردم دنیا تا غرب اروپا و حتی آمریکا به چشم تحسین و گاهی حیرت و حسرت به انقلاب ما نگاه میکردند. دولت های بزرگ هم از حالت بیطرفی و حالت دشمنی بیرون آمده، دولت جمهوری اسلامی را برسمیت شناخته تبریک می گفتند.

دولت های بزرگ نفع خود را بدلیل رقابت فیما بین در محکم و مستقر دیدن ایران و مسلط شدن جمهوری اسلامی میدیدند.

رهبر انقلاب و رهبر مملکت دولتی را منصوب کرد و برنامه های بدستش داد.

در این مدت یکسال ما خیلی کارها کردیم. ما که میگوییم منظورم تنها دولت موقت نیست، مقصودم کل مملکت است، همه. بخواست خدای بزرگ و با همت و فداکاری مردم از خیلی بندها و گردنه ها و خطرها گذشتیم، بفضل خدا. خیلی گام ها برداشتیم. موفقیت ها داشتیم، امیدواری هایی پیدا کردیم که باز هم از این امیدواری ها هست. اما همانطور که انتظار میرفت و لازمه هر انقلابی است با مشکلات پیش بینی شده و پیش بینی نشده عظیمی روبرو شدیم که هنوز هم درگیر هستیم. مشکلاتی که سرنوشتمان بسته به آنهاست.

این مشکلات قسمتی قهری و طبیعی انقلاب است و خواسته و ساخته دشمنان، دشمنان داخلی و خارجی، و قسمتی را هم باید قبول کنیم مربوط و محصول خودمان است. یا از خضال و صفات دوران طاغوت به ارث و عادت رسیده است و یا منبعث و محتوای آن چیزی است که به عنوان انقلاب، بصورت انحرافی یا اغراطی، فهمیده ایم و پذیرفته ایم.



اگر یادتان نرفته باشد اولین مشکل، اولین انحراف

و اولین اختلاف از زبان، از قلم و از عمل کسانی بیرون زد که در روز های پیروزی اعلام کرده و بنا گفته بودند که اگر در مبارزه علیه استبداد و برای اخراج شاه با شما بودیم چنین نیست که خطمان جفا نشود و برنامه های انقلابی خودمان را شدیداً تعقیب نکنیم.

زمزمه های نفاق و تقار بلافاصله در دانشگاه و در گنبد قابوس بلند شد. دانشگاه فنی تبدیل شده بود به زرادخانه اسلحه چربکها. در حالیکه آنزمان خیلی ها از هم میپرسیدند انقلاب ما چه نیازی به اسلحه دارد، مگر ما میخواهیم با خودمان در بیفتیم؟ آن اصل کاری را که بیرون کردیم و رفت و این سلاحهایی که در دست مردم است با حملات دشمن خارجی که نمی تواند روبرو شود!

xalvat.com

در شمال مخصوصاً گنبد قابوس اسلحه های دستی برای اولین بار بصدا درآمد. همینطور هفته هائی نگذشته بود که در کارخانجات و ادارات تحریکات و تشنجاتی پیدا شد. هر قدر جلو رفتیم درگیری و ستیز و دعوا از يك طرف و آشفتنگی و توقف و موانع و توقع ها از طرف دیگر وسعت و شدت پیدا میکرد.

اگر اجازه دهید - وظیفه و مصلحتان در این است - که كيك صفت نباشیم، نگاه کنیم بینیم در ممالکت و محیطمان چه میگذرد. واقعیات و حقایق و جریانهای تلخ و خطرانی که ما را تهدید میکند در میان بگذاریم و از زبان مردم نیز بشنویم.

وقتی در بندر لنگه در اثر يك برخورد احمقانه، اگر نگویم خائنانه دعوای سنی و شیعه در میگیرد و اگر اشتباه نکنم ۱۲۰ نفر کشته میشوند، وقتی مردم اینرا در روزنامه ها میخوانند و از رادیو میشوند با حیرت از خود میپرسند انقلاب ما بکجا میرود؟

همچنین سندج که زودتر از همه جا دولت موقت از مردم دعوت کرد و اولین شورای استان و شورای شهر از منتخبین مردم و خیلی آزاد تشکیل شد. حالا می بینیم که در آنجا استانداری را با نهمین اشغال کرده اند. استاندار زندانی شده و بعد برای خروج پاسداران انقلاب احتصاب غذا می کنند. و از طرف دیگر احزاب چپ افراطی جنگ چریکی راه انداخته و پادگانهای دولتی را خلع سلاح میکردند و با پشتیبانی

بیگانه از خاک کشور همسایه به حمله و راهزنی و مسافری بائی
میپرداختند، بر این شرایط مردم کرد و غیر کرد و دنیا نگران
امنیت و استقلال و بقا کشور می شود و وحشت زده می برسند
انقلاب ما به کدام سمت و به کجا می رود ؟

حالا اگر در بندر لنگه و کردستان و تبریز يك اختلافاتی،
بلحاظ مذهب یا بلحاظ زبان و یا مرجع تقلید و غیره وجود
داشته که بهانه هایی برای مبارزه با انقلاب و ایجاد بدبختی
و مصیبت باشند، در اصفهان که دیگر این حرفها نبود. در
آنجا سنی و شیعه نیست. کرد و ترک نیست. دو دستگی بومی
و شهری وجود ندارد. همه مسلمان، همه پیرو امام، هرز با
خارج هم ندارند که بگوئیم از آنجا تحریک میشوند. همه به
يك لهجه حرف میزنند، يك نژادنده يك مکتبند و داوطلبان
خدمت به مملکت، سربازان انقلاب و کمیته ها هم کمیته های
خط امام. آنوقت می بینیم که نوعا شده، تحمسن شده، کشتار
شده، استعفا شده که حقیقتا همه حیرت زده میشوند. باز وضعی
پیش می آید که این ترجیع بند تکرار شود مملکت و انقلاب
ما بکجا کشیده شده و به کجا می رود ؟

کارخانهای را مثال بزئیم که کارفرمایش رفته یارانده
شده و زیر نظارت و فرمان دولت است. مدیر عامل و مسئول
حسابداری و امور مالی از وزارت صنایع و معادن یا وزارت
کار تعیین شده و آنجا هست کارگزارش شورائی درست
کردماند. حالا این شورا تاچه اندازه منتخب همه باشد یا تحت
عناوین و بهانه های خاص درست شده باشد نمی دانم. چند نفر
از مهندسین را که اداره فنی کار یا آنهاست بیرون میکنند،
وزارت صنایع و معادن، وزارت کار و حتی کشته امام ا.ق. را هم
را میفرستند برای حل قضیه و مشکلات. سپس می آید شورائی
شورای کارکنان می آیند شرط و شروط میگذارند برای اینکه
اجازه بدهند آن مهندسین در کارخانه کار بکنند و سرپرستان
و به اتاقشان بروند. باید يك آئین نامه انضباطی خیلی تمدی
و محکمی اجرا شود. آئین نامه نوشته و همه زیرش را امضاء
می کنند و توافق و تعهداتی عمل می آید که بعد المابن برادروار
چلو بروند. چند روزی طول نمی کشد که مجددا مهندسین
را بیرون می کنند. مدیر عامل کارخانه که از طرف دولت تعیین
شده و مسئول است و همه چیز باید بدستور او و با اجازه او

باشد یا هر فردی تمام باین آقایان ابلاغ می کند که چای همه اینجا نیست، بد زبان بی زبانی میگوید که اختیار و مدیریت و مالکیت با دولت و با کارفرما و امثال ما نیست.

این جریان که متأسفانه یکی و دوتا نیست و زیاد است همه صاحبان، همه مطلعین و متخصصین و علاقمندان بصنعت و تولید و اقتصاد و حیات مملکت را حاج و واج میکند و میپرسند کار تولید و اقتصاد مملکت و انقلاب یکجا میکشد ؟

★ ★ ★

بخش خصوصی بدتر از اینست، موسسات یکی بعد از دیگری سقوط کرده و از اعتصابات گذشته، پدید نتوانسته سر بلند بکند و تولید داشته باشد یا بازار فروش برایشان نیست .

xalvat.com

اما برادران عزیز کارگران ما این حرفها سرشان نمیشود. باید دستمزد و پاداش و کمکها و ترمیم حداقل دستمزد را سنگ تمام بگیرند. کک کسی نمیگذرد که این گاو شیرده یعنی این موسسه و کارخانه و گاوشیردهی که دیگر صحرا نمیرود، نمبچرد، آب و علف هم نمیخورد شیرش دارد خشک میشود، خوش هم که پس فردا بمکند وقتی که گوشت و پوستش هم داد آنوقت بچه میماند که دستمزد و پاداش شما را بدهد ؟ کسی تا همین مایحتاج مملکت را بکند کسه شیری و نانی باشد و احتیاجات دیگری باشد ؟ بیکاری و بی تولیدی و بی پولی عالمگیر شده است . باز در برابر این دیو وحشتناک میپرسیم انقلاب به کجا میرود ؟

کشاورزی را که بهتر میدانید ، حرفش را نزنم

تذکر بدهم که سوء تفاهم و اشتباه و اتهامی پیش نیاید. من نه مخالف ملی شدن بانکها هستم نه ملی شدن اراضی هوات شهری که قبلا به تصویب رسیده بود و خدمت بزرگی در پائین آوردن قیمت زمین و مسکن کرده است و نه مخالف با ملی شدن و تقسیم صحیح زمینهای فصب شده و مالکیتهای نامشروع با اجرای قانون تقسیم اراضی که در دولت موقت بتصویب رسیده میباشم و نه مخالف با پاکسازی و تصفیه و اصلاح انقلابی ادارات دولتی ، طبق همان قوانین که در مهر ماه گذشت و بعد هم تکمیل شد . آنچه باید احتراز کرد، آنچه باید جلوگیری کرد ، آنچه مصیبت است و آنچه انقلاب را در سرازیری سقوط و مملکت را در هلاکت میاندازد هرج و مرج است و خودسریها و تجاوزها و بیعدالتیها یا تعدی و تفرقه و تخریب ملت و مملکت . اینست که انقلاب ما را بجای بد میکشاند .

xalvat.com



وزارتخانه‌ها و ادارات و موسسات دولتی که تأمین کننده، حمل کننده، توزیع کننده احتیاجات اولیه و اداره کننده و گرداننده چرخهای مملکت هستند و روز بروز هم با عشق و اصراری که به ملی کردن (یعنی دولتی کردن) همه چیز میشود وضع بهتری ندارند. بی میلی حکمفرماست، بیکاری حکمفرماست، کارشکنی احياناً حکمفرماست و ائتلاف سرمایه‌ها و نیروها. فقط يك چیز بازارش امروز گرم است، يك تب وجود دارد. تب پاکسازی، پاکسازی یا تزکیه نه به معنای آنکه قرآن گفته و اسلام کرده که خود افراد و خود اشخاص را پاک بکنند، تزکیه بکنند بلکه طرد و تخلیه و جدا کردن و بیرون انداختن همه است. بنام شوری و جامعه اسلامی و انجمن و غیره عده‌ای راه می‌افتند قباله کهنه هارا در می‌آورند یا می‌سازند، آتش کینه و انتقام را شعله‌ور میکنند، هر کس که در دوره گذشته نه تنها قاتل و غارتگر بوده که (البته باید حذف و اعدام و محاکمه گردند و غارتها پس گرفته شود) بلکه متأسفانه برنامه این است که صرفاً هر کس مقام و موقعیتی داشته و خدمتی انجام داده ولو این خدمت در شغل و حرفه او بوده است، باید لجن مال بشود، باید اسمش را بعنوان ساواکی و طاغوتی و وابسته و سرسپرده و مستکبر به در و دیوار بزنند، ادعایشان اینست که ما یعنی افراد شورائی‌ها باید رئیس و مسئولین را معین بکنیم، ما باید قراردادهای را صحه بگذاریم و اجازه بدهیم چه چیز خریدند و چه چیز سفارش داده، شود. سیاست و خط مشی و برنامه را ما بدهیم نه وزارتخانه و وزیر و لوائیکه آن وزیر و روسا بطور غیر مستقیم از طرف امام معین شده باشند و از طرف شورای انقلاب منصوب و مصوب امام باشند. نه آنها هیچ کارماند باید همه کاره ما باشیم، واقعا این نابسامانی و این هرج و مرج میخواهد انقلاب ما را، مملکت ما را و حیات و هستی ما را به کجا بکشاند؟

پناه بر خدا!



در این اوضاع، کارکنان دولت هم چیزی سرشان نمیشود و کاسه طلبکاری هل من مزید را بدست گرفته‌اند. گاو شیرده دولت و مملکت شده شرکت نفت با پستانهای ورم کرده‌اش، حالا این گاو تاکی میماند و چگونه میماند و میتواند جواب همه چیز را بدهد، کاری به آن ندارند. همه میخواهند جبران

خسارتها و دریافت اضافه کارها و اشکالاتشان بشود .
 از دولت بیائیم به داخل ملت ، يك مقام روحانی پیدا
 میشود بی‌اعتنای به فتوای امام ، بی‌اعتنا به دولت امام ،
 بی‌اعتنا به کمیته امام و به شورای انقلاب و به دادگاه انقلاب .
 برای خودش دفترخانه درست میکند ، سر بازخانه راه میاندازد ،
 تجارتخانه باز میکند ، چریک‌خانه درست میکند و پیش‌آهنگ
 انقلاب میشود . فرمان تهاجم و تصرف صادر میکند .

آنهايي که مسلمان هستند ، آنهايي که آرزويشان اين بود
 و انتظارشان اين است که انقلاب ما پرچم اسلام و خورشيد
 درخشان اسلام و عدالت و قسط و امنيت و سعادت را در دنيا
 باحتراز در بياورد و فوج فوج مردم وارد دين خدا بشوند ،
 اين عاشقان فداکار اسلام نیز وقتی ميپيوند حق و عدالت و
 حقوق از بين رفته است بلرزه درميآيند و ميپرسند انقلاب ما
 و اسلام ما کجا ميرود ؟

xalvat.com

نامنی ، مصادره اموال ، آزار نسبت به زن و بچه ،
 بيقرار و قانونی اينها بعنوان لازمه عمل انقلابی تلقی شده است .
 مواد مخدر نه به بهای ارزان بلکه به رایگان توزیع میشود و
 هيچ وسيله امکان و نيروئی برای از بين بردن آن نيست .
 از اين موارد و مناظر زياد داريم ، جدائی از هر جهت
 بروز کرده است . عرب با عجم ، سنی با شيعه ، جوان با
 مسن ، شهری با دهاتی ، زارع با مالک ، کارگر با کارفرما ،
 کارمند با رئيس ملت با دولت ، پاسدار با کمیته ، همه با هم
 در افتاده اند .

با يك دست ميخواهيم چندين هندوانه برداريم . بايك
 لشکر ميخواهيم در ده جبهه بجنگيم . جبهه فتودالها ، جبهه
 سرمايه‌دارها ، جبهه طاغوتی‌ها ، جبهه ارتجاعی‌ها ، جبهه
 مالکين ، جبهه روشنفکران ، جبهه چپها و جبهه‌های خارج .
 کار جوانانمان پنبه‌ها را باد دادن ، انگشت روی عيب و خطاها
 گذاشتن ، بلکه عيب و خطا ساختن ، رفتن و در قباله کهنه‌های
 هر خانواده گشتن و پرده‌دري کردن شده است . هدف اصلی
 زدن تيرهای اعدام و اتهام است . اتهام و اعدام کسانی که
 اصیل و خدمتگزار و سازنده بودند ...

★★★

در این محیط و مملکت چگونه انقلاب میتواند به ثمر
برسد ؟ آیا باید گفت :

xalvat.com

ترسم نرسی بکعبه ای اعرابی

کاینزره که تو میروی بدتر کستان است

تا اینجا وضع حیرتافزا و وضع مشکلی است که در
برابرهان هست . صحیح اینست که برویم و ببینیم علتش چیست
از کجا آمده و چگونه باید چاره کرد ؟

البته میتوانیم بگوئیم و بسیار راحت است که بگوئیم
خارجیان و استعمار و امپریالیسم است که این همه آتشها را
روشن میکند و ضد انقلاب است که هر روز هزار توطئه و تحریک
راه میاندازد . بفرض هم که این توجیه درست باشد ، که از
جهتی درست است ، اما انصاف هم باید داد که خودمان نیز
بی دخالت و بی اثر نیستیم . اقلایکطرف قضیه تا ۵۰ درصدش
مربوط و تقصیر خودمان است . خارجی و دشمن در هر جا هر چه
بکند طبیعی است ، در حساب منطق و منافع او باید چنین
باشد . دنیا دنیای آکل و ماکولی است . اما اگر ما بیائیم
و بدست خودمان آتش بیار و تعزیه گردان این معرکه بشویم
یا غلبه غم گرفتاریها و مشکلات بارروی بار خودمان بگذاریم
و گرمدرکارهایمان بزنیم اینجا دیگر جز خون آن کسی را
نیاید ملامت کنیم .

مناسفانه مادر انقلاب و در اداره خود کفا و مستقل مملکت
تازه کاریم . غیروارد و ناشی هستیم ، ۲۵۰۰ سال نه انقلاب
کرده بودیم و نه اداره کارها و سیاست و مدیریت در دست ما
بوده است . ملت از این بابت ناشی است . اما طرف ما حریف
کهنه کار است . هزار حقه و نیرنگ در چنجه دارد .

قرنهاست که مملکت ما در بین دو سیاست و دو مکتب
قرار گرفته است . این دو مکتب و دو سیاست مثل کفتار و
کرکس دوروبر ما و بالای سر ما دائما در گردش و پروازند . و
هریک مراقب و مانع دیگری است . منتظر هستند که کی لاشه ای
یا موجودی میخواهد یا میافتد آنوقت باهم متحد میشوند و
می آیند اول دفعه چشم و قلبش را در میاورند .

یک خارجی از قدیم در مملکت ما پایگاه داشته ، صاحب
اختیار شاه و دستگاه و دربار بوده است . همکارانی و مزدورانی
در داخل و خارج داشته که آنها به وظایفشان عمل میکردند
و می کنند .

سیاست کهنه کار دیگری هم پانچای آن و از راههای دیگر عزت زمینه های فکری و ایدئولوژیک و تشکیلاتی نفوذ در همه سوراخ سمبه های دولت و ملت و دواضح حساب شده ای داشته و دارد. افراد ورزیده در آب نمک خوابانده که در داخل بودند و با رژیم طاغوت همکاری میکردند سراز لانه ها در آوردند، از خارج هم چند در شرق اروپا و چه در غرب و آمریکا از همه طرف راه افتاده اند و سرازیر ایران شدند. تابلوها زدند، تشکیلات دادند و شعارهایشان را بلند کردند. در زبان و دل جوانانمان و انقلابیون داغ شده ما وارد ساختند.

xalvat.com

ملاحظه کنید پیش آهنگ و استاد غالب این شعارها و فشارها که الان رواج دارد همانها بودند. خواسته ها و گفتارها را آنها اول دفعه بیان کردند. آنوقت انقلابیون و دل سوختگان و حسن نیت دارها ما برای پیشدستی و پیروزی و برای اینکه جوانان و مردم را از دست چپی ها و مارکسیست ها در بیاورند با آنها مسابقه گذارده و میگویند ما خونمان مجری این برنامه ها و شعارها میشویم.

چیزهایی که قبلا میگفتند و خواسته ها چه بود؟ از این قبیل بود: ارتش باید داغان شود. دولت و بوروکراسی که غربی و شاهنشاهی است باید زیرورو و منهدم شود، روسا و کارمندان بخش دولتی و خصوصی همه ساواکی و دشمن خلق ما و دزد هستند باید تمام دور ریخته شوند، اقتصاد مملکت و بخش خصوصی اقتصاد سرمایه داری است، بورژوازی و نظام فئودال است، با داس انقلاب در اولین حمله باید تارومار و خلعید و خلع مال بشوند، همه چیز باید دولتی و بعد هم تقسیم شود. برای آنها واژگون کردن نظام ملت و درهم ریختن همه سنتها و اصول و پایدها و مایه ها هدف بود. برای آنها خود انقلاب اصل و منظور است و باید استمرار داشته باشد. آنها بصورت قهر و خصومت و تضاد و جنگ طبقات. در سیاست خارجی نیز به عقیده آنها که از ابتداء قبلا میگفتند فقط یک دشمن وجود دارد و از یک ناحیه باید ترسید و کوبید: امپریالیسم.

من از این زیاد جلوتر نمیروم. فقط خواستم آنچه انعکاس دهنده و در زبان و ذهن غالب مردم است بازگو کنم. هشدار بدهم و بپرسم که آیا موقعش نشده است که بخودمان بیائیم؟ همه دسته جمعی این سؤال را مطرح کنیم که «انقلاب به کجا می رود؟»

اگر مملکت را در سرازیری خطرناکی میبینیم ترمز کنیم ، جلوش را بگیریم و بخواهیم که به جاهای درست و مفید و مطمئن و سلامت و صحیح برود و به ثمر برسد. عوض خودمان به خود انقلاب ، به نتیجه انقلاب و به مملکت بیاندیشیم . به وحدت برگردیم ، به عدالت و به حق و عقل ، به برادری ، به نظم و به قانون . گره‌ها را نه با عصبانیت و عجله بلکه با بینش و حوصله باز کنیم- اسلام و انسانیت را جلومان بگذاریم. انقلاب را با تصمیم و قدرت ولی با نظم و مدیریت و با صبر و مقاومت بشمر برسانیم.

همانطور که پیروزی اول انقلاب تعلق به همه ملت و همه قشرها داشت ، استقرار و به پیروزی رسانیدن جمهوری اسلامی را هم بخواهیم همگی در آن شرکت داشته باشند .

از انحصار و اختصاص و طرد و استثناء بیرون بیائیم .
نظرمان و تصمیممان براین بشود که کارها و انقلابها، یعنی برنامه‌های انقلاب از مجاری قانونی و صحیح در محور امام و شورای انقلاب و قوانین و نهادهای مصوب انقلاب پیش برود .

xalvat.com



خوشبختانه انتخابات مجلس در پیش است . يك آتش بسی اقلات آن موقع بدهیم و به تدارك آن پردازیم . سعی کنیم خوب برگزار شود. در آرامش و برادری و امنیت و نظم نمایندگان مطمئن با صلاحیت واقعا ملی و مسلمان انتخاب کنیم . مجلسی درست کنیم که تمام وجود ملت و مملکت در آنجا متمرکز باشد. آنوقت هر کس هر حرفی و مطلبی دارد، هر ایرادی و هر اختلافی باشد در آن مجلس و در آن آئینه گفته بشود . در آنجا انعکاس پیدا کند و از آنجا تصمیم گیری بشود. از مجلس و دولتی که منبعث از مجلس باشد همگی بیعت بکنیم . در خط‌اما هو امت و در راه خدا پیش برویم و مطمئن باشیم که به مصداق آیه قرآن که فرمود والذین جاهدوا فینا لنهدهن سبلا وان الله لعمدالمحسنین ، اگر جهاد و کوشش ما در راه خدا و برای خدا ، باشد رهبری و رستگار خواهیم شد. وقتی میگوئیم برای خدا یعنی خلق خدا ، خدا که احتیاجی ندارد . ضمنا خدا يك راه و دو راه ندارد ، راههای مختلفی است (سبلا) که به سمت خدا منتهی میشود و ما را در آن خطهای خودش و راههای صحیح خواهد انداخت. ان الله لعمدالمحسنین ، یعنی خدا با نیکوکاران و خدمتگزاران و خیرخواهان و دوستداران است نه با بدخواهان و بدکاران ،

مهدی بازگان